

ارتقاء حس تعلق به مکان از طریق نوسازی بافت فرسوده با توجه به فضای واسط (نمونه موردی: محله باغ شاطر تهران)

زهرا صدریان^۱، سیدباقر حسینی^۲، سعید نوروزیان ملکی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۴/۲۵

چکیده

بافت‌های فرسوده شهری به دلیل ارزش‌های تاریخی-فرهنگی نیازمند حفظ، احترام و بازآفرینی است. امروزه احیای این بافت‌ها با اصل قرار دادن نیاز ساکنین در برقراری ارتباط با فضای کالبدی و مباحثی چون تعلق به مکان مورد توجه بسیاری از طراحان قرار می‌گیرد. هدف مقاله حاضر، یافتن راهکارهای احیای بافت فرسوده به منظور ارتقاء حس تعلق به مکان ساکنین با احیای فضای عمومی میان واحدهای مسکونی است. به منظور سنجش معیارهای بدست آمده به بررسی موردی یک محله قدیمی در شمال شهر تهران (محله باغ شاطر) پرداخته شده است. جمع‌آوری داده‌ها به روش مطالعات اسنادی، تحلیل محتوا و سپس ارائه پرسشنامه بسته به ساکنین است. در انتها با وزن‌دهی به مؤلفه‌های تحقیق مطابق طیف لیکرت به تحلیل نتایج پرداخته شد. یافته‌ها نشان می‌دهد نوسازی کالبد بافت فرسوده به ویژه در فضاهای عمومی واسط بلوک‌های مسکونی از طریق اقداماتی نظیر کنترل محصوریت، استفاده از عناصر هویت‌بخش، حضور عوامل طبیعی و ایجاد دید و منظر مناسب می‌تواند حس تعلق به مکان را به ساکنین محلات قدیمی بازگرداند.

واژه‌های کلیدی

تعلق به مکان^۱، نوسازی^۲، بافت فرسوده^۳، فضای واسط.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری گرایش مسکن، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دانشیار گروه معماری مسکن، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۳. دکترای معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۱- مقدمه

فرسودگی بافت‌های شهرها علی‌رغم واجد ارزش بودن از نظر تاریخی و فرهنگی با توجه به گذشت زمان نسبتاً طولانی و در نظر گرفتن ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرون گذشته غیرقابل تصور نمی‌باشد، و لیکن فرسودگی بافت‌های شهری ایجاد شده در اثر گسترش شهرهای کشور در نیمه اول قرن حاضر که بیش از چند دهه از پایان آن نمی‌گذرد، تعجب برانگیز می‌باشد (ماجدی، ۱۳۸۹، ۸۸).

عدم همراهی بسیاری از بافت‌های قدیمی با الزامات زندگی جدید، موجب کاهش کیفیت زندگی^۴ و نیز کاهش دلبستگی به مکان ساکنین این محلات شده است. لذا توجه به این مناطق مسکونی، چه از بعد کالبدی و چه از بعد روانی، برای افزایش رضایتمندی^۵ ساکنین امری ضروری به نظر می‌رسد. زندگی در این بافت‌ها به همان میزان که نیازمند هم‌احساس بودن با رخدادهای، خاطره‌ها و ریشه‌هاست، نیازمند اعتقاد به بروز تغییرات نو در آن‌هاست (شایان، ۱۳۸۹، ۱۸). تغییراتی که محور آن‌ها، توجه به احیای بافت با اصل قرار دادن توجه به ساکنین و نیازهای افرادی است که در ارتباط مکانی و تاریخی با فضا هستند. متأسفانه امروزه مرمت کنندگان بافت فرسوده، کل بافت را همچون جسم مرده ای می‌نگرند و با استفاده از شیوه‌های تقلیدی که هماهنگی با وضعیت اقتصادی و اجتماعی محله ندارد، به مداخله در کالبد می‌پردازند. (مومنی و دیگران، ۱۳۸۹، ۳۲) از این رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات ذیل خواهد بود:

- بین مولفه‌های کالبدی بهسازی بافت فرسوده و حس تعلق به مکان ساکنین چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- عوامل نوسازی کالبدی متناسب با نیاز ساکنین محله کدامند؟
- آیا نوسازی و بهسازی فضاهای مابین واحدها در محلات قدیمی می‌تواند بر افزایش حس تعلق به مکان ساکنین و افزایش رضایتمندی آن‌ها تاثیرگذار باشد؟
- در نوسازی و بهسازی فضای واسط بلوک‌های مسکونی، چه عواملی می‌بایست مد نظر قرار گیرند تا ضامن ارتقاء حس تعلق به مکان ساکنین باشد؟
- از این رو رویکرد تحقیق حاضر شناخت عناصر نوسازی کالبد بافت است که ضامن ارتقاء حس تعلق به مکان ساکنین در بافت می‌باشد. در این پژوهش، فرض بر این است که فرسودگی کالبدی بافت در محلات قدیمی موجب کاهش حس تعلق به مکان ساکنین می‌شود. در نتیجه می‌توان با نوسازی مناسب به طور خاص در فضای واسط واحدهای مسکونی که قابلیت ارتقاء

کیفی دارند، علاوه بر بهبود کیفیت فضاهای سکونت، حس تعلق به مکان ساکنین و میزان رضایت‌مندی آن‌ها را افزایش داد.

۲- بافت فرسوده

بافت فرسوده به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تاسیسات و خدمات و زیرساخت‌های شهری، آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. (شفیعی نسب، ۱۳۸۶) فرسودگی عاملی است که به زدودن خاطرات جمعی، افول حیات شهری واقعه‌ای و شکل گرفتن حیات شهری روزمره‌ای کمک می‌کند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱). بافت‌های فرسوده به سبب فرسودگی در کلیت با یکدیگر وجوه مشترکی دارند اما به سبب عوامل موثر در فرسودگی دارای ماهیت‌های متفاوتی می‌گردند. این تفاوت‌ها، بافت‌ها را در سه گروه قرار می‌دهد: بافت‌های دارای میراث شهری، بافت‌های شهری (فاقد میراث شهری) و بافت‌های حاشیه‌ای (شفیعی نسب و کلابی، ۱۳۸۶).

بافت‌های فرسوده با وجود تنوع، دارای شرایط و ویژگی‌های مشترکی می‌باشند. این ویژگی‌ها در ابعاد مختلفی بررسی می‌شود: بعد کالبدی، بعد زیست محیطی، بعد اجتماعی، بعد اقتصادی، بعد مدیریتی و حقوقی (جلایر، ۱۳۸۹). از آنجا که در پژوهش حاضر توجه به مسائل و مشکلات بافت فرسوده از بعد کالبدی در اولویت قرار دارد، در اینجا به معرفی ویژگی‌های کالبدی بافت فرسوده پرداخته می‌شود:

ریزدانه بودن قطعات واقع در حوزه‌های مسکونی؛ بلوک‌هایی که بیش از ۵۰٪ پلاک‌های آنها مساحت کمتر از ۲۰۰ متر مربع دارند (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۵).

نفوذناپذیری؛ بلوک‌هایی که بیش از ۵۰٪ معابر آن عرض کمتر از ۶ متر دارند.

ناپایداری؛ بلوک‌هایی که بیش از ۵۰٪ بناهای آن ناپایدار و فاقد سیستم سازه است (همان).

کم دوام بودن مصالح ساخت و ساز (مهندسان مشاور شاران، ۱۳۸۴)

فقدان یا نارسایی شبکه‌های زیرساختی (همان)
شکل‌گیری کاربری‌های ناسازگار در جوار بافت مسکونی (جلایر، ۱۳۸۹).

مشکلات حمل و نقل (شفیعی نسب و کلابی، ۱۵، ۱۳۸۶) و ناکارآمدی شبکه ارتباطی (همان)

کمبود خدمات شهری از قبیل خدمات فرهنگی و آموزشی به لحاظ کمی و کیفی (همان).

اجتماعی" نیز به آن افزوده شود، به نظر می‌رسد که ضرورت دارد به نارسایی‌های موجود در نظام شهرسازی و معماری که سبب ایجاد محیط زیست نامطلوب برای شهروندان و زوال اقتصادی و اجتماعی بافت‌ها و نزول هویت شهری آن‌ها می‌گردند، توجه لازم می‌ذول گردد به طوری که بافت‌هایی که امروزه شکل می‌گیرند، در آینده بافت فرسوده شهری تلقی نگردند (ماجدی، ۱۳۸۹).

کیفیت نازل ساخت و سازهای مسکونی (شفیعی‌نسب و کلایی، ۱۳۸۶).

چنانچه برخی از عوامل تشکیل‌دهنده ساختار کالبدی بافت‌های شهری شامل "ریزدانگی"، "نفوذناپذیری" و "ناپایداری" برای شناسایی بافت‌های فرسوده شهری مورد قبول قرار گیرد و عوامل دیگر نظیر "ساختار اقتصادی" و "ساختار



شکل ۱: فرآیند شکل‌گیری بافت فرسوده (مأخذ: عندلیب، ۱۳۸۶)

جدول ۱: انواع فرسودگی فضای شهری (مأخذ: حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱)

نوع فرسودگی	نوع مرمت	نوع اقدام	نوع استفاده از زمین و بنا
فعالیت (عملکرد)	بهبودی	ابقا	تغییر، تدقیق کاربری، تاکید بر شکل بنا
کالبدی (شکل)	نوسازی	احیا	تاکید بر کاربری، تغییر در شکل بنا
فعالیت + کالبد	بازسازی	تخریب و ساخت مجدد	تنظیم کاربری، تعریف شکل بنا

۳- حس تعلق به مکان

مکان^۹ عنصر اصلی هویت ساکنان آن است. انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نایل شود. یکی از علل سرگردانی انسان امروز نپرداختن به مفهوم مکان و هویت مکانی است (حبیبی، ۱۳۸۷). حس مکان^{۱۰} به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵). دل‌بستگی به مکان به معنای آن است که تنها بهره‌برداری از مکان مطرح نیست، بلکه باید به

رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تکامل خود، از بازسازی، باززنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، گذاری را از حوزه توجه صرف به کالبد به عرصه تاکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده‌اند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹).

با توجه به جدول ۱، مداخله در بافت‌های فرسوده به سه صورت بهسازی^{۱۱}، نوسازی و بازسازی^{۱۲} قابل طبقه‌بندی است که در این پژوهش رویکرد نوسازی به منظور حفاظت و احیای کالبد و فعالیت مدنظر است. در این نوع مداخله، اصل بر وفاداری به گذشته و حفظ آثار هویت بخش است که از طریق حمایت، مراقبت، نگهداری، حفاظت، احیا، وحدت بخشی و تعمیر صورت می‌پذیرد (شفیعی‌نسب و کلایی، ۱۳۸۶).

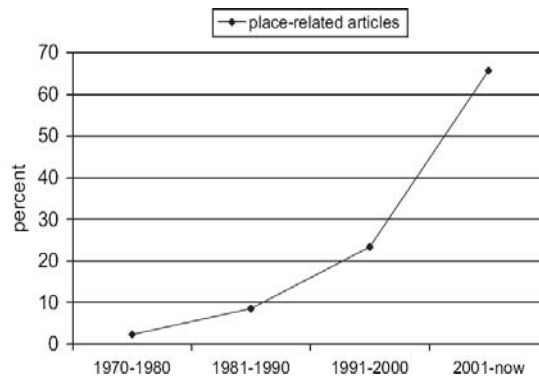
گیری حس تعلق به مکان دارند (مطلبی، ۱۳۸۹). لویکا (2011) با مطالعه پژوهش‌های پیشین در ۴۰ سال گذشته، تأثیر فضای محصور به جای فضای باز را که موجب به وجود آمدن حس درون و بیرون می‌شود، در حس تعلق به مکان موثر می‌داند. او همچنین از عواملی نظیر اندازه، محصوریت، تنوع، مقیاس، بومی‌گرایی، استفاده از یک عنصر متمایز (نماد)، دسترسی واحدها به طبیعت، دسترسی به خدمات و ... یاد می‌کند. مطالعات باتل و مارتینسون حاکی از رابطه معکوس اندازه اجتماع و میزان تعلق به مکان ساکنین آن بوده و نشان می‌دهد که این حس در ساکنین روستاها و شهرهای کوچک بیشتر از شهرهای بزرگ به وجود می‌آید (Buttle & Martinson, 1979).

مور در بررسی تعلق به مکان از "خانه" به عنوان نماد شناخت، امنیت، آسایش، ریشه‌داری و دلبستگی یاد می‌کند و معتقد است مقیاس خانه می‌تواند از یک واحد آپارتمانی تا یک واحد همسایگی و یا فراتر متفاوت باشد (Moore, 2000). اما ۷۵٪ محققان مکان در تحقیقات خود به واحدهای همسایگی بیشتر از سایر واحدهای سکونتی بزرگتر یا کوچکتر توجه می‌کنند (Lewicka, 2011). از آنجایی که پژوهش حاضر مبتنی بر عوامل کالبدی موثر بر حس تعلق به مکان است، در جدول زیر به مرور این عوامل از دیدگاه صاحب‌نظران شاخص پرداخته می‌شود:

جدول ۳: کیفیات موثر بر حس تعلق به مکان (مأخذ نگارندگان)

نام پژوهشگر	کیفیات کالبدی موثر بر تعلق به مکان
کونین لینچ (1980)	سرزندگی، معنی، سازگاری، دسترسی، کنترل و نظارت، کارایی، عدالت (چرخچیان، ۱۳۸۸)
متیو کارمونا (2003)	دسترسی، فضای همگانی، ایمنی و امنیت، منظر شهری، اختلاط کاربری (چرخچیان، ۱۳۸۸)
فریتز استیل (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۹)	اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا، تنوع بصری، هویت، امنیت، سرزندگی و خاطره
سالواسن (2002)	موقعیت، منظر، شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای خصوصی و جمعی (Salvesen, 2002)
یان زو (2011)	خوانایی، ادراک بصری و هماهنگی قرارگاه رفتاری با محیط بصری (فلاح، ۱۳۸۵)
ماریا لویکا (2011)	اندازه، محصوریت، تنوع، مقیاس، بومی‌گرایی، استفاده از یک عنصر متمایز (نماد) (Lewicka, 2011)
شیعه (۱۳۸۹)	خوانایی، نفوذپذیری، محصوریت، مجاورت، ساختار سلسله‌مراتبی (شیعه، ۱۳۸۹)

نوعی احساس، توجه، مراقبه در انسان نسبت به مکان نیز توجه وجود داشته باشد که برآورده نیاز انسان در سطوح بالاتر از نیازهای اولیه می‌باشد (چرخچیان، ۱۳۸۸). در سال‌های اخیر دلبستگی به مکان توجه بسیاری از محققین را در حوزه‌های مختلف علوم به خود معطوف داشته است (شکل ۲) که در دو دسته پدیدارشناسان و روانشناسان محیطی دسته بندی می‌شوند (جوان فروزنده و همکاران، ۱۳۹۰).



شکل ۲. میزان توجه مقالات به رابطه انسان و مکان طی ۴۰ سال اخیر (مأخذ: Lewicka, 2011)

حس تعلق به مکان به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزیی از مکان می‌داند و مکان برای او قابل احترام می‌شود (سرمست، ۱۳۸۹). شامای برای حس مکان سه مرحله اصلی تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را با هفت سطح تعیین می‌کند: بی تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان، تعلق به مکان، دلبستگی به مکان، یکی شدن با اهداف مکان، حضور^{۱۱} در مکان، فداکاری^{۱۲} برای مکان (Shamai, 1991). حس انسان به مکان متناسب با نوع مکان (اعم از مسکونی، اداری، تفریحی، تجاری و ...) و کاربران آن متغیر است. (Sacannell & Gifford, 2010) بنابراین حس تعلق در معماری نیز برآیند سه عامل فرد، دیگران و محیط می‌باشد. بر این اساس عوامل تشکیل‌دهنده حس تعلق در طراحی به سه صورت زیر ارائه می‌گردد:

جدول ۲: عوامل موثر بر حس تعلق به مکان (مأخذ نگارندگان)

عوامل موثر بر حس تعلق به مکان	فرد	دیگران	محیط
	عوامل ادراکی - شناختی	عوامل اجتماعی - فرهنگی	عوامل محیطی - کالبدی

عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق می‌پردازند. شکل، اندازه، رنگ، بافت، مقیاس و نوع ساماندهی هر یک نقش موثر در شکل

دلفی مورد نظرسنجی متخصصین قرار گرفت و تعدادی از این کیفیات که از دید متخصصان دارای بیشترین تاثیر بر حس تعلق به مکان بوده‌اند، به عنوان شاخصه‌های مورد بررسی در نمونه موردی انتخاب شده و محوریت ادامه پژوهش قرار گرفت:

ایجاد عوامل کالبدی حس تعلق به مکان در محلات مسکونی قدیمی مستلزم احیا و نوسازی بخش‌هایی از کالبد مطابق با نیازهای امروز است. در راستای استخراج مهم‌ترین مولفه‌های حس تعلق به مکان، کیفیات مطرح شده در جدول ۳ با تکنیک

نوع مصالح (به لحاظ بومی و یا مدرن بودن) دسترسی‌ها (سواره و پیاده)
 محصوریت استفاده از یک جزء متمایز به عنوان نماد
 عناصر طبیعی شامل گیاهان، آب و ... فرم
 دید و منظر شهری

جدول ۴: ارزش‌گذاری به روش طیف لیکرت (ماخذ نگارندگان)

گزینه	کیفیت گزینه	امتیاز
+۵	خیلی خوب	۴/۲۱ - ۵
+۴	خوب	۳/۴۱ - ۴/۲
+۳	متوسط	۲/۶۱ - ۳/۴
+۲	بد	۱/۸۱ - ۲/۶
+۱	خیلی بد	۱ - ۱/۸

۵- معرفی محله باغ شاطر

منطقه باغ شاطر یکی از محلات قدیمی شمیران واقع در منطقه یک در شمال شهر تهران است که به گفته اهالی محل قدمتی حداقل ۱۰۰ ساله دارد. هسته اولیه این منطقه در سال ۱۳۰۰ شکل گرفته و در سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵ گسترش یافته است. بافت اصلی محله بقایای بافت روستایی قدیمی است که اغلب نیز فرسوده می‌باشد، که با توسعه شهری، مابین آن‌ها با بافت‌های دیگر پر شده است. این بافت که به صورت عمده بلوک‌های شرق و شمال میدان باغ شاطر را شامل می‌شود، اغلب دارای دانه‌بندی ریز، نیمه منظم، متراکم و با دسترسی ارگانیک می‌باشد و کیفیت مصالح و کالبد ابنیه و فضاهای خالی مابین آن‌ها در این نواحی پایین است. (شکل ۴)

۴- روش تحقیق

همان گونه که بیان شد، در این پژوهش فرض بر این است که فرسودگی کالبد موجب کاهش حس تعلق به مکان ساکنین محلات مسکونی می‌شود و هدف عام پژوهش یافتن مولفه‌های نوسازی فضاهای عمومی واسط در راستای افزایش دلبستگی به مکان در میان ساکنان بافت‌های فرسوده است. با این هدف محله باغ شاطر به عنوان نمونه موردبررسی انتخاب گردید. پس از بررسی پیشینه موضوع و به دست آوردن مهم‌ترین شاخصه‌های کالبدی موثر بر تعلق به مکان در بافت‌های فرسوده با روش دلفی، بررسی‌های میدانی و مشاهده محله نمونه توسط محقق انجام گرفت. از آنجایی که موضوع مورد بررسی یک مطلب کیفی است که در رابطه انسان با مکان مطرح می‌شود، مستلزم برخورد مستقیم با ساکنان و یافتن نظر آنها است. به همین منظور روش پیمایش و پرسش از ساکنان انتخاب شده و نظر آن‌ها پیرامون هر یک از شاخصه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از هر شاخصه در جداولی سازمان یافته و مورد تحلیل واقع شده‌اند. به منظور تفسیر موضوعات از سیستم ارزش‌گذاری طیف لیکرت^{۱۳} استفاده شده است. به هر یک از پاسخ‌ها ضرایبی بصورت زیر داده شده که مجموع آنها میزان کیفیت هر پارامتر را مشخص نموده که امتیازات بدست آمده از هر مؤلفه مطابق جدول ذیل تحلیل می‌شود:



شکل ۳. تصاویر بافت قدیم محله باغ شاطر (ماخذ: نگارندگان)

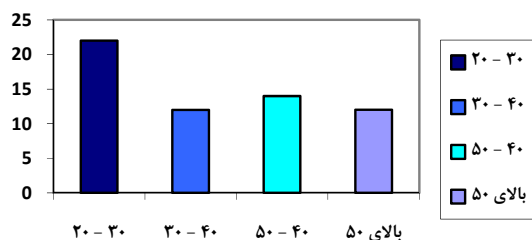


شکل ۴. نقشه بافت محله باغ شاطر و محدوده مورد مطالعه (مأخذ: طرح تفصیلی منطقه ۱)

می‌دهد. میانگین سنی پاسخگویان، ۳۸/۳ سال، حداقل سن پاسخ‌دهندگان ۲۱ سال و حداکثر سن آنها ۶۲ سال می‌باشد.

جدول ۵: سن مصاحبه‌شوندگان (مأخذ نگارندگان)

سن	فراوانی	درصد
۲۰-۳۰	۲۲	۳۷
۳۰-۴۰	۱۲	۲۰
۴۰-۵۰	۱۴	۲۳
بالای ۵۰	۱۲	۲۰



میزان تحصیلات ۶۰ نمونه به زیر دیپلم، دیپلم، کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکترا تقسیم‌بندی شده که بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات کارشناسی بود.

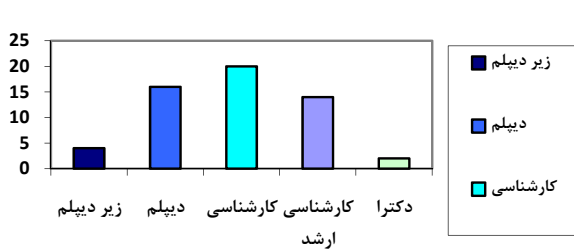
مشاهدات صورت گرفته نشان می‌دهد علی‌رغم پتانسیل بالای منطقه به لحاظ موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی، قرارگیری در مجاورت کوه و بهره‌گیری از دید و منظر مناسب، در زیباسازی و فضا سازی محله آن چنان که شایسته می‌باشد، اقداماتی صورت نگرفته است. کف‌سازی نامناسب، عدم وجود المان‌های شاخص در محله، سازماندهی نامناسب کاربری‌های درون محله، معابر تنگ و پیچ در پیچ و ... از جمله مسائل و مشکلات محله می‌باشد که در سال‌های اخیر موجب آسیب دیدن حیات مدنی در مقیاس واحد همسایگی و محله شده است؛ لذا نوسازی کالبد محله چه در بلوک‌های مسکونی و چه در فضاهای مابین آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

فضاهای واسط بلوک‌ها (که در این محله عمدتاً فضاهای پلکانی با محوریت پیاده بوده) به دلیل مشخصات کالبدی و فیزیکی ویژه، دارای مفهوم و ارزش خاصی در سه بعد شکل، کارکرد و معنا هستند. (بیلان اصل و همکاران، ۶۱، ۱۳۹۰) این فضاها که توسط بلوک‌های مسکونی محصور شده‌اند می‌توانند با بهسازی مناسب، به کانون تمرکز معنا و محل تعاملات ساکنین تبدیل گردند و از این طریق حس تعلق به مکان را در ساکنین محله ارتقاء بخشند.

۶- یافته‌ها

به منظور جمع‌آوری اطلاعات ۶۰ نفر از ساکنان محله به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند که از این تعداد، ۲۴ نفر زن (۴۰٪) و ۳۶ نفر مرد (۶۰٪) مورد پرسش قرار گرفتند. پاسخگویان به بازه‌های سنی ۲۰-۳۰، ۳۰-۴۰، ۴۰-۵۰ و بالای ۵۰ سال تقسیم‌بندی شدند که جدول زیر فراوانی آنها را نشان

جدول ۶: تحصیلات مصاحبه‌شوندگان (ماخذ نگارندگان)



تحصیلات	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۸	۱۳
دیپلم	۱۶	۲۷
کارشناسی	۲۰	۳۳
کارشناسی ارشد	۱۴	۲۳
دکترا	۲	۳

جدول ۷: استخراج امتیاز مؤلفه‌های تحقیق (ماخذ نگارندگان)

شاخصه	جزئیات	وزن	کیفیت
مصالح	وضع موجود مصالح	۲/۶۱	متوسط
	به کارگیری مصالح سنتی در کف	۳/۵۳	خوب
	به کارگیری مصالح مدرن در کف	۲/۸۰	متوسط
	به کارگیری مصالح سنتی در جداره‌ها	۴/۰۳	خوب
دسترسی‌ها	به کارگیری مصالح مدرن در جداره‌ها	۲/۸۰	متوسط
	دسترسی سواره	۲/۰۰	بد
محصولیت	دسترسی پیاده	۲/۹۳	متوسط
	سرپوشیده کردن بخشی از فضای واسط	۳/۰۳	متوسط
عنصر هویت‌بخش	استفاده از نماد در هر واحد همسایگی	۴/۱۶	خوب
	نقش نماد در تعریف هویت واحد همسایگی	۳/۸۳	خوب
عوامل طبیعی	حضور فضای سبز	۴/۶۶	خیلی خوب
	حضور آب	۴/۲۷	خیلی خوب
فرم کالبد	وضع موجود فرم فضای واسط	۲/۳۷	بد
	فرم خطی	۲/۹۳	متوسط
دید و منظر	فرم متمرکز	۴/۱۴	خوب
	تاثیر دید و منظر بر کیفیت فضا	۴/۴۷	خیلی زیاد
	وضع موجود ارتباط بصری با طبیعت	۲/۵۴	بد
	ایجاد گشودگی به سمت طبیعت	۴/۲۱	خیلی خوب

از دید ساکنان وضعیت کنونی دسترسی سواره در محله، در سطح بد و دسترسی پیاده، در حد متوسط است. پیرامون موضوع محصولیت همان گونه که در جدول زیر مشخص است، اکثر کاربران با نسبت عرض به ارتفاع ۱ به ۱ برای معیار عمومی و فضای واسط بلوک‌های مسکونی موافق بودند و نیز سرپوشیده کردن بخشی از فضای عمومی واسط بلوک‌ها در حد متوسط ارزیابی شده است.

با استناد به یافته‌های تحقیق (جدول ۷)، می‌توان این گونه برداشت کرد که از دید ساکنان، کیفیت کنونی مصالح به کار رفته در کف و جداره‌های فضاهای عمومی واسط، متوسط رو به ضعیف است. به کارگیری مصالح سنتی و بومی در کف‌سازی و جداره‌های فضاهای واسط، خوب و به کارگیری مصالح مدرن در کف‌سازی و جداره‌های فضاهای واسط، در حد متوسط ارزیابی گردیده است.

جدول ۸: تناسب (ماخذ نگارندگان)

وزن	۱ به ۲		۱ به ۱		۲ به ۱		سوال
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲/۳۳	۴۰	۲۴	۵۳/۳	۳۲	۶/۷	۴	نسبت عرض به ارتفاع

نظرسنجی قرار گرفت، رعایت موارد زیر در بهسازی بافت‌های فرسوده می‌تواند ضامن ارتقاء حس تعلق به مکان ساکنین در این نواحی باشد:

- به کارگیری مصالح سنتی و بومی (کاهگل، سنگفرش و...) به جای مصالح مدرن در بهسازی کف و جداره‌های فضاهای عمومی مابین بلوک‌ها

- هماهنگی مصالح به کار گرفته شده در فضاهای واسط با مصالح موجود بلوک‌های مسکونی اطراف

- توجه به اقلیم منطقه و فرهنگ ساکنین در انتخاب نوع مصالح

- تامین دسترسی سواره برای همه واحدها در عین حفظ محوریت پیاده در فضاهای واسط

- در نظر گرفتن محدوده‌هایی جهت پارک اتومبیل در جوار فضاهای واسط واحدهای همسایگی، به گونه‌ای که سیمای کلی فضا را خدشه دار نکند

- رعایت نسبت عرض به ارتفاع یک به یک برای معابر پیاده

- سرپوشیده کردن بخشی از فضاهای عمومی و فضاهای واسط

- استفاده از نمادهای طبیعی یا مصنوعی در فضاهای واسط به عنوان شاخصه هویت بخش هر واحد همسایگی که این نماد می‌تواند توسط ساکنین هر واحد همسایگی به صورت مشارکتی اجرا شود.

- استفاده از عوامل طبیعی (فضای سبز، آب و ...) در فضاهای واسط در راستای ارتقاء کیفیت فضا

- استفاده از ویژگی‌های بالقوه سایت مانند شیب در راستای جریان یافتن آب در فضاهای مابین بلوک‌های مسکونی، ایجاد باغچه‌های طبقاتی و ...

- ایجاد فضاهای تجمع مابین بلوک‌های مسکونی در راستای تعامل بیشتر ساکنین با یکدیگر و با طبیعت

- ارجحیت فرم متمرکز نسبت به فرم خطی در فضاهای واسط برای ایجاد کیفیت فضایی که می‌تواند فضای مکث یا تجمع را در اختیار کاربران قرار دهد.

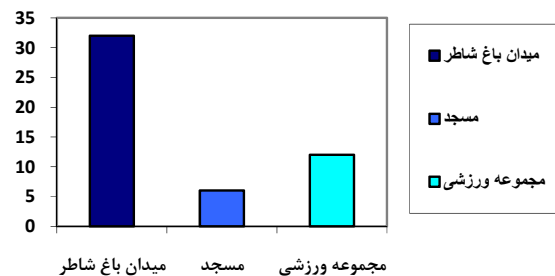
- برخورداری فضای واسط بلوک‌ها از چشم‌اندازهای طبیعی و دید و منظر مطلوب

از دید کاربران استفاده از نماد به عنوان عنصر هویت‌بخش در هر واحد همسایگی خوب ارزیابی شده است.

همچنین همان طور که از جدول زیر پیداست، عمده ساکنین محدوده انتخاب شده، میدان باغ شاطر را به عنوان اولین عنصر شاخص و هویت‌بخش محله معرفی کرده‌اند. مسجد محله و مجموعه ورزشی باغ شاطر در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند.

جدول ۹: عنصر هویت‌بخش محله (ماخذ نگارندگان)

عناصر هویت‌بخش	میدان باغ شاطر	مسجد باغ شاطر	مجموعه ورزشی
فراوانی	۳۵	۱۳	۱۲
درصد	۵۸/۳	۲۱/۷	۲۰



در حوزه حضور عوامل طبیعی، بیش از ۹۰ درصد ساکنان حضور فضای سبز و آب را در فضاهای واسط برای افزایش کیفیت فضا خیلی خوب ارزیابی کردند.

از دید آنها وضعیت کنونی فرم کالبدی فضاهای واسط بلوک‌های مسکونی در سطح محله بد است که با توجه به نظر ساکنان محله، طراحی فضاهای واسط با فرم خطی متوسط و استفاده از فرم متمرکز خوب است.

میزان تاثیر دید و منظر بر کیفیت فضاهای عمومی در حد خیلی زیاد ارزیابی شده است. در حال حاضر وضعیت ارتباط بصری با طبیعت در فضاهای عمومی واسط، در سطح بد و ایجاد گشودگی‌هایی به سمت طبیعت و چشم‌انداز شهری در فضاهای واسط خوب ارزیابی شده است.

۷- نتیجه‌گیری

در یک نگاه کلی، با توجه به شاخصه‌هایی که در زمینه عوامل کالبدی موثر بر حس تعلق به مکان استخراج شده و مورد

ارتقاء حس تعلق به مکان و به تبع آن افزایش میزان رضایت-مندی ساکنین آن محله باشد. بدیهی است که نحوه تبدیل ارزش‌های سنتی به عوامل امروزی و جدید با رعایت ضوابط امر مهمی است که باید مدنظر طراحان شهری و معماران قرار گیرد. نوسازی محلات قدیمی با استفاده از شاخصه‌هایی که امتیازات بالایی در فرایند تحلیل بدست آورده‌اند، می‌تواند گره‌گشای معضلات موجود در این محلات و یا بلوک‌های شهری تازه‌ساز الحاقی به آن‌ها باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه‌ی در نظر گرفته شده در فرآیند تحقیق تأیید گردید و یافته‌ها نشان داد که نوسازی کالبد بافت فرسوده به خصوص در فضاهای عمومی و فضاهای واسط بلوک‌های مسکونی می‌تواند حس تعلق به مکان را به ساکنین محلات قدیمی بازگرداند.

با توجه به ترجیحات استفاده‌کنندگان می‌توان اینگونه برداشت کرد که لازم است بهسازی و ارتقاء کیفیت فضاهای واسط بلوک‌های مسکونی در محلات قدیمی با توجه به سنت‌ها و ارزش‌های خاص موجود در محله صورت گیرد تا بتواند ضامن

پی‌نوشت‌ها

- 1- Place attachment
- 2- Renovation
- 3- Worn_out architectural textures
- 4- Quality of life
- 5- Satisfaction
- 6- Improvement
- 7- Reconstruction
- 8- Place
- 9- Sense of place
- 10- Involvement
- 11- Sacrifice
- 12- Likert scale

(تحلیل مقیاسی که توسط لیکرت در سال ۱۹۳۲ طراحی گردید و امروزه به عنوان رایج‌ترین مقیاس در پژوهش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.)

فهرست منابع

- بلیان اصل، لیدا؛ اعتصام، ایرج، اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۹۰). نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره فضایی بافت‌های تاریخی ایران، هویت شهر، شماره هشتم، صص. ۷۱-۵۹.
- پوراحمد، احمد؛ حبیبی، کیومرث؛ کشاورز، مهناز (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال ۱، شماره ۱، صص. ۷۳-۹۲.
- جلاپور، فرزانه (۱۳۸۹). تبیین تطبیقی مکانیزم برنامه‌ریزی مسکن در بافت‌های فرسوده و بافت‌های جدید شهری، آبادی، شماره ۶۷، صص. ۲۴-۳۱.
- جوان فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم (۱۳۸۹). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، هویت شهر، سال ۵، شماره ۸، صص. ۲۷-۳۷.
- چرخچیان، مریم (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی عوامل موثر بر افزایش دلبستگی به فضاهای عمومی شهر با تاکید بر تنوع‌فعالیتی، رساله برای دریافت درجه دکتری؛ دانشگاه علم و صنعت ایران.
- حبیبی، رعناسادات (۱۳۸۷). تصویرهای ذهنی و هویت مکان، هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص. ۳۹-۵۰.
- حبیبی، سید محسن؛ مقصودی، ملیحه (۱۳۸۱). مرمت شهری، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سرمست، بهرام؛ توسلی، محمدمهدی (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان، مدیریت شهری، سال ۸، شماره ۲۶، صص. ۱۳۳-۱۴۶.
- شایان، حمیدرضا؛ کامل‌نیا، حامد (۱۳۸۹). بررسی نقش و جایگاه معیارهای اجتماعی در تحقق‌پذیری مرمت بافت‌های فرسوده شهری، آبادی، شماره ۶۷، صفحات ۱۸-۲۳.
- شفیعی‌نسب، سیدرضا؛ کلابی، فرانک (۱۳۸۶). بافت فرسوده و سیاست‌های بهبود کیفیت مسکن، آبادی، شماره ۵۵، صص. ۱۱۲-۱۱۹.
- شیعه، اسماعیل؛ قاضی طباطبائی، سیدهادی (۱۳۸۹). مقایسه نقش عوامل هویت بخش اجتماعی در محله‌های مسکونی قدیم و جدید، همایش ملی معماری و شهرسازی معاصر ایران.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۶). فرایند نوسازی بافت‌های فرسوده، سازمان نوسازی شهر تهران.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص. ۵۷-۶۶.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۴). نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد، هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صص. ۳۵-۴۲.
- ماجدی، حمید (۱۳۸۹). توسعه‌های شهری امروز، بافت‌های فرسوده آینده، هویت شهر، سال ۴، شماره ۶، صص. ۸۷-۹۴.
- مومنی، مهدی (۱۳۸۹). تحلیلی بر طرح‌های احیا و نوسازی بافت‌های فرسوده، نمونه موردی محله جویباره اصفهان، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۷، صص ۵۲-۳۱.
- مهندسین مشاور شاران (۱۳۸۴). راهنمای شناسایی و مداخله در بافت‌های فرسوده، ناشر شرکت ایده پردازان فرهنگ و هنر.

- Buttell FH, Martinson OB, Wilkening E (1979). Size of place and community attachment: A reconsideration, *Social Indicators Research*, No. 4, Vol. 6, pp. 475-485.
- Akbarpour M, Pourahmad A (2011). Proper strategies for the improvement and renovation of the worn out textures of sirous district in tehran using swot technique, *Geography and Environmental Planning*, No. 4, Vol. 21, pp. 65-88.
- Lewicka M (2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years?, *Journal of Environmental Psychology*, No. 3, Vol. 31, pp. 207-230.
- Moore J (2000). Placing home in context, *Journal of Environmental Psychology*, No. 3, Vol. 20, pp. 207-217.
- Sacannell L, Gifford R (2010). The relation between natural and civic place attachment and pro-environmental behavior, *Journal of Environmental Psychology*, No. 3, Vol. 30, pp. 289-297.
- Shamai S (1991). Sense of place: An empirical measurement, *Geoforum*, No. 3, Vol. 22, pp. 347-358.